

درجات معرفت - ۱۰

از حضرت بهاء الله در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "حال بچشم علم الیقین و جناحی عین الیقین بصراط حق الیقین قدم گذار قل الله ثم ذرهم فی حوضهم یلعبون تا از اصحابی محسوب شوی که میفرماید انّ الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائكة تا جمیع این اسرار را ببصر خود مشاهده فرمائی."

و در لوحی دیگر قوله الابهی: "و بعد معلوم بوده که سالکین صحرای طلب و رجا و وصل و لقاء امر انتهای بسیار و مقامات بیشمار بعضی بعد از مجاهده نفسانی و تعب جسمانی از رتبه اسفل لا بحدیقه بلند الّا مقرّ یابند و از ظل نفی فرار نموده بمحل وسیع اثبات مسکن گزینند و از مراتب فقر فنا بمحل غنای لقا ساکن شوند و این منتهی مراتب سعی و اجتهاد است و بعضی دیگر چیزی از افق لا نیافته از منتهی افق الّا درگذرند و از شئون فنا رشحی نچشیده از ملکوت بقا عروج نمایند و از چشمه عدم ننوشیده از صهبای قدم مرزوق شوند و اینها را در طی مراتب سلوک و ارتقای مقامات وصول مشی دیگر است و مقامی دیگر و بعضی دیگر از ملکوت اسماء حرفی اخذ نکرده و از جبروت صفات که بملک راجع است اطلاعی نیافته از غیب بقاء طالع شوند و بغیب بقاء راجع گردند صد هزار بحر عظمت در قلب منیرشان مواج و از لہبایشان اثر تشنگی ظاهر و هزار هزار انهار قدس در دلشان جاری ولکن در ظاهر اثری از آن مشهود نه دفاتر حکمة بالغه ربّانی در الواح صدرشان مستور ولکن در عالم بروز حرفی مذکور نه در مصر یقین ساکنند و در دیار تسلیم سائر مست جمالند و محو جلال ذوالجلال دل بدل راز گویند و سینه بسینه نکته سرایند اسرار هوّیه از جبین قدسشان ظاهر و انوار احدیّه از ورقه بدیعشان طالع سر در قمیص صفا برده اند و آستین بر دو جهان افشاندند. این نفوس بی پر پرواز و بی رجل مشی کنند و بی دست اخذ نمایند بلغت عما سخن گویند و بفنون غیب تکلم نمایند جمیع اهل ارض بحرفی از آن آگاه نیستند الّا من شاء ربک و لکل نصیب فی الکتاب و کلّ بما قدر لهم لفائزون."

و در رساله چهار وادی قوله الاعزّ الابهی: "... و دیگر ذکر شده . لله تحت قباب العز طائفة اخفاهم فی رداء الفقرا جلالات آنها هستند که از چشم او ملاحظه نمایند و از گوش او گوش دارند چنانچه در حدیث مشهور مذکور است اخبار و آیات آفاقی و انفسی در این رتبه بسیار ولکن بدو حدیث اکتفا میرود تا نوری باشد از برای مطالعین و سروری باشد برای مشتاقین. اوّل اینستکه میفرماید "عبدی اطعی حتّی اجعلک مثلی انا اقول کن فیکون و انت تقول کن فیکن" و ثانی این است که میفرماید "یا ابن آدم لا تأنس باحد ما وجدتی و متی اردتی وجدتی باراً قریباً" آنچه مذکور شد از اشارات بدیعه و دلالات منیعه راجع است بحرف واحد و نقطه واحده ذلک من سنّة الله و لن تجد لسنة الله تبدیلاً ولا تحویلاً."

و در خطابه از حضرت عبدالبهاء در جمع تیاسفها در پاریس است. قوله العزیز: "علم بر دو قسم است یکی تصوّری و دیگری تحقیقی است بعبارة اخری حصولی و حضوری مثلاً ما میدانیم که آبی هست اما این صرف تصوّر است اما وقتی نوشیدیم

تحقیقی گردد لهذا گفته اند علم تام تحقق بشیئی است نه تصوّر شیئی مثلا انسان اگر بداند که مائده و نعمش موجود است از این تصوّر تلذذ نیابد اما چون از مائده تناول کند تلذذ و تغذی نماید. پس تحقق تام علمی حاصل شود."

*******حاشیة*******

مصطفی صلعم در شب معراج مر عایشه را خبر داد که حق را ندیدم و ابن عباس رضی الله عنهما روایت کند که رسول عم مرا گفت حق را بدیدم خلق باین خلاف بماندند و آنج بهتر بایست وی از میانه برد اما آنج گفت دیدمش عبارت از چشم سَر کرد و آنج گفت ندیدم بیان از چشم سَر. یکی از این دو اهل باطن بودند و یکی اهل ظاهر. سخن با هریک بر اندازه روزگار وی گفت پس چون سَر دید اگر واسطه چشم نباشد چه زیان ...

و قال النبی عم دعوا الدنيا لعلکم ترون الله بقلوبکم ... اعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک ... و وحی فرستاد بداوود عم یا داوود ادری ما معرفتی قال لا قال حیاة القلب فی مشاهدتی کشف المحجوب علی بن عثمان جلابی غزنوی.

اعلم ان تلك المعرفة التي يمكن ان يصل اليها افهام البشر لها مراتب متخالفه و درج متفاوته قال المحقق الطوسی طاب ثراه فی بعض مصنفاة ان مراتبها مثل مراتب معرفه النار مثلا فان ادناها من سمع ان فی الوجود شیئا بعدم کَلْشیئی یلاقیه و ینظر اثره فی کَلْشیئی یحاذیه وای شیئی اخذ منه لم ینقص منه شیئی و یسمى ذالک الموجود نارا و نظیر هذه المرتبه فی معرفة الله تعالی معرفه المقلدین الذین صدقوا الدین من غیر وقوف علی الحجه و اعلى منها مرتبه من وصل اليها دخان النار و علم انه لابد من مؤثر محکم بدات لها اثر و هو الدخان و نظیر هذا المرتبه فی معرفة الله تعالی معرفة اهل النظر و الاستدلال الذین حکموا بالبراهین القاطعة علی وجود الصانع و اعلى منها مرتبه من احسن بحرارة النار بسبب مجاورتها و شاهد الموجودات بنورها و انتفع بذلك الاثر و نظیر هذه المرتبه فی معرفة الله سبحانه معرفة المؤمنین الذین اطمانت قلوبهم بالله و تیقنوا ان الله نور السموات و الارض كما وصف به نفسه و اعلى منها مرتبه من احترق بالنار بکلیته و تلاشى فیها بجملته و نظیر هذه المرتبه فی معرفة الله تعالی معرفة اهل الشهود و الفناء فی الله و هی الدرجة العلیا و الرتبة القصوى رزقنا الله الوصول اليها و الوقوف علیها بمنه و کرمه انتهى " اربعین شیخ بهائی "